



**سخنران: Josette Sheeran**

**موضوع: پایان دادن گرسنگی**

۱۱:۰۰: خب پس از چندین سال کار در تجارت و اقتصاد، ۴ سال پیش، خودم را در خط مقدم آسیب پذیری انسان یافتم. خودم را در مکانهایی یافتم که مردم آنجا هر روز برای زنده ماندن مبارزه میکنند و حتی نمی توانند یک وعده غذا بدست آورند. این فنجان قرمز مال کودکی به نام فابیا از رواند است. من این فنجان قرمز را همه جا می برم به عنوان نماد واقعی چالش و همچنین امید. زیرا یک فنجان غذای روزانه زندگی فابیا را کاملا تغییر می دهد. اما آنچه میخواهم امروز درباره آن صحبت کنم حقیقتی است که امروز صبح حدود یک میلیارد نفر بر روی کره زمین با یک هفتم مردم بیدار شدند و حتی نمی دانستند چگونه این فنجان را پر کنند. یک نفر از هر هفت نفر.

۱:۰۳: اول بپرسم: چرا شما باید به این موضوع اهمیت بدهید؟ چرا ما باید غم آنها را بخوریم؟ برای اکثر مردم، اگر درباره گرسنگی فکر کنند، لازم نیست آنها به تاریخ دوری از خانواده شان رجوع کنند ممکنه در زندگی خودشان، یا زندگی پدر و مادرشان، یا زندگی پدر بزرگ و مادر بزرگشان تجربه گرسنگی را به خاطر بیاورند. من به ندرت یک شنونده را یافتم که به گذشته خیلی دور برگردد بدون تجربه گرسنگی. بعضی از مردم با احساس شفقت همراه می شوند، این شاید یکی از اساسی ترین احساس و رفتار بشری باشد. همانطور که گاندی گفت: " برای یک انسان گرسنه، یک تکه نان روبرویی با خداست." بعضی دیگر در مورد صلح و امنیت و ثبات در جهان نگران هستند. ما شورش های غذا را در سال ۲۰۰۸ دیدیم، پس از آنچه من سونامی خاموش گرسنگی می نامم جهان را در می نوردد، زمانی که قیمت غذا در یک شب، دو برابر شد. اثرات بی ثباتی ناشی از گرسنگی، در سراسر تاریخ بشر شناخته شده اند. یکی از اساسی ترین اقدامات تمدن این است که به مردم اطمینان دهد که میتوانند غذای کافی بدست آورند.

۲:۰۳ بعضی دیگر در مورد کابوس مالتوس فکر می کنند. آیا ما قادر خواهیم بود که جمعیتی را که فقط در چند دهه دیگر ۹ میلیارد خواهد شد تغذیه کنیم؟ گرسنگی یک مسئله قابل قبول نیست. مردم باید تغذیه شوند. جمعیت زیادی خواهد بود. حل مسئله غذا فرصتهای شغلی از بالا تا پایین زنجیره ارزشهاست. اما من با این مشکل به شیوه دیگری برخورد می کنم. این عکس من با سه فرزندم است. در سال ۱۹۸۷، من مادر جوانی بودم، با اولین فرزندم و در حالی که دخترم را نگه داشته و غذا می دادم یک تصویر خیلی مشابه این تصویر روی صفحه تلویزیون آمد. باز هم به قحطی دیگر در اتیوپی. یکی دو سال قبل از آن، قحطی بیش از یک میلیون نفر را کشته بود. اما تا آن لحظه هرگز آنقدر روی من تاثیر نگذاشته بود، چون در آن تصویر یک زن تلاش می کرد که نوزادش را شیر دهد، و او هیچ شیری نداشت که به نوزادش دهد. و گریه آن نوزاد واقعا در من نفوذ کرد، به عنوان یک مادر. و من فکر کردم، هیچ چیز فراموش نشدنی تر از فریاد یک کودک نیست که نتوان با غذا پاسخ داد این بنیادی ترین انتظار برای هر انسان است. و آن لحظه ای بود که من با چالش و برآشفتگی و خشم پر شدم. چون در واقع ما می دانیم که چگونه این مشکل را حل کنیم.

۳:۳۰ این یکی از آن بیماری های کمیاب نیست که ما راه حلی برای آن نداشته باشیم. ما می دانیم چگونه گرسنگی را برطرف کنیم. صد سال پیش، ما نمی دانستیم. در واقع ما فن آوری و صنایع غذایی داریم. من متعجب شدم که این واقعه در جایگاه خودش نیست. در دوره ما از تاریخ، این تصاویر در جایگاه خودشان نیستند. خوب حدس بزنید چی؟ هفته پیش در کشور کنیا قحطی بود. دوباره بیش از ۹ میلیون نفر با قحطی و گرسنگی در مقیاس بزرگ روبرو هستند حیرت زده که آیا میتوانند تا روز بعد زنده بمانند. در حقیقت، امروز ما می دانیم که هر ۱۰ ثانیه بر اثر گرسنگی ما یک کودک را از دست می دهیم. این تلفات بیشتر از بیماری اچ آی وی / ایدز، مالاریا و سل روی هم است. ما می دانیم این مشکل فقط تولید غذا نیست.

۴:۲۸ یکی از مربیان من در زندگیم نورمن بورلاگ بود، قهرمان من. ولی امروز من میخواهم درباره دسترسی به غذا صحبت کنم، چون در واقع امسال و پارسال و در زمان بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، غذای کافی برای همه بر روی زمین بود که ۲۷۰۰ کالری در روز تغذیه کنند. چرا این طور است که ما یک میلیارد نفر داریم که نمی توانند غذا بیابند؟ من همچنین می خواهم در مورد آنچه من آن را بار سنگین آگاهی می نامم صحبت کنم. در سال ۲۰۰۸، لانست (مجله پزشکی) همه تحقیقات را گرد هم آورد و با شواهد قانع کننده مطرح کرد که اگر یک کودک در هزار روز اول زندگی از ابتدای حاملگی تا دو سالگی تغذیه مناسب نداشته باشد، آسیب آن، غیر قابل برگشت است. مغز و بدن آنان از رشد باز می مانند. و در اینجا شما اسکن از مغز دو کودک را می بینید یکی تغذیه مناسب داشته، کودک دیگر، غفلت شده و عمیقا" سوء تغذیه داشته است. می توانیم ببینیم که حجم مغز در این کودکان بیشتر از ۴۰ درصد کمتر است. و در این اسلاید می بینید که اعصاب و سیناپسهای مغز شکل نگرفته اند. ما می دانیم این تاثیر زیادی روی اقتصاد میگذارد که درباره آن بعدا" صحبت خواهیم کرد. همچنین کسب درآمد بالقوه در این کودکان در طول زندگیشان به نیم کاهش یافته به دلیل رشد نیافتگی و نقص فکری که در اولین سالها اتفاق افتاده است.

۵:۵۷ این بار سنگین آگاهی به من انگیزه میدهد. زیرا واقعا" ما می دانیم که چگونه این مشکل را به سادگی برطرف نمایم. و با این حال، در خیلی جاها، یک سوم کودکان، همین الان با توجه به این بار سنگین آگاهی در تمام عمرشان با فقر و سختی روبرو خواهند بود. من میخواهم درباره برخی چیزهایی که من در خط مقدم گرسنگی دیده ام، برخی چیزهایی که فهمیدم با بکار بردن دانش ام از اقتصاد و بازرگانی و تجربه ام در بخش خصوصی، صحبت کنم. می خواهم در مورد ناآگاهی مردم صحبت کنم.

۶:۳۳ اول، در مورد قدیمی ترین روش تغذیه روی زمین صحبت کنم، تغذیه با شیر مادر. شما ممکن است تعجب کنید وقتی بدانید هر ۲۲ ثانیه می توان یک کودک را نجات داد در صورتی که در ۶ ماه اول زندگی با شیر مادر تغذیه شود. برای مثال، در نیجریه، کمتر از هفت درصد کودکان منحصرا" برای شش ماه اول زندگیشان با شیر مادر تغذیه می شوند. در موریسانی، کمتر از سه درصد. این را با آگاهی می توان تغییر داد. این پیام، این پیغام، می تواند پخش شود که شیر دادن کودک یک روش قدیمی نیست این بهترین شیوه برای نجات زندگی کودک تان است. بنابراین، امروز ما نه تنها روی پخش غذا، بلکه اطمینان از اینکه مادران شیر کافی دارند، و آموزش در مورد تغذیه با شیر مادر نیز تمرکز کرده ایم.

۷:۲۵ نکته دومی که می خواهم در مورد آن صحبت کنم: اگر شما در یک دهکده دور افتاده زندگی می کردید، و کودکان ناتوان و ضعیف بود، و شما در قحطی یا در سیل بودید، شما در وضعیتی بودید که تنوع کافی در رژیم غذایی نبود، چه کار می کردید؟ آیا فکر میکنید میتوانستید به فروشگاه بروید و انتخاب غذای مقوی داشتید، مثل کاری که ما می کنیم، و چیزی را که تغذیه مناسب هست بر می داشتید؟ خوب من متوجه شدم که پدران و مادران در خط مقدم خیلی آگاهند به اینکه از تعداد کودکانشان کاسته خواهد شد. من به فروشگاه های آن محل می روم، اگر در آنجا فروشگاههای باشد، یا بیرون به مزارع که ببینم آنها چه غذایی می توانند بدست آورند،

و در برخی مناطق آنها نمی توانند مواد غذایی بدست آورند. حتی اگر آنها بدانند که به چه چیزی نیاز دارند، چیز قابل دسترسی نیست.

۸:۰۴ و من خیلی خوشحالم چون یکی از کارهایی که ما میکنیم انتقال فن آوریهای امروزی، که در صنایع غذایی بسیار سودمند هستند، به محصولات سنتی است. و این با نخود و شیر خشک تولید شده و سرشار از ویتامین هاست، دقیقاً مناسب با آنچه مغز نیاز دارد. ما هزینههای معادل ۱۷ سنت برای تولید آن می پردازیم من آن را غذا برای انسانیت می نامم. ما این را با صنایع غذایی انجام دادیم در هند و پاکستان-- در سه کشور -- این تحولی است برای ۹۹ درصد از کودکانی این را دریافت می کنند. یک بسته، روزانه ۱۷ سنت-- غلبه بر سوء تغذیه آنهاست. من بسیار مطمئن هستم که اگر ما بتوانیم فن آوری هایی که در سرزمینهای غنی جهان معمول هستند را بگشاییم قادر به دگرگونی غذایی هستیم. این مقاومت در برابر آب و هوا است. به یخچال نیاز ندارد، به آب نیاز ندارد، که اغلب در کمبود است. این نوع فن آوریها، توانایی بالقوه ای را دارند که چهره گرسنگی و سوء تغذیه را در خطوط مقدم، دگرگون کنند.

۹:۱۴ موضوع بعدی که می خواهم در مورد آن صحبت کنم، تغذیه در مدرسه است. هشتاد درصد از مردم در جهان اندوخته غذا ندارند. وقتی بلافاصله حادث می شوند: مثلاً اقتصاد آشفته شده و مردم کارشان را از دست می دهند، یا سیل، جنگ، درگیری، دولت ناکارآمد، همه این چیزها-- اندوخته ای نیست که از آن استفاده کنند. معمولاً موسسات از جمله کلیساها، معابد، موسسات دیگر منابعی برای حفاظت مردم در زمان سختی ندارند. چیزی که ما از کار با بانک جهانی فهمیدیم اینه که بهترین حافظ فقرا، بهترین سرمایه گذاری، تغذیه در مدرسه است. اگر شما این فنان را با محصولات کشاورزی محلی کشاورزان فقیر پر کنید، شما یک اثر تحول آفرین سازنده دارید. کودکان زیادی در جهان نمی توانند به مدرسه بروند چون آنها باید بروند برای بدست آوردن یک وعده غذا گدایی کنند. اما هنگامی که غذا در مدرسه باشد، این تحول آفرین است. مبلغی کمتر از روزانه ۲۵ سنت زندگی کودکان را تغییر می دهد.

۱۰:۰۵ اما شگفت انگیز ترین، تاثیر بر زندگی دختران است. در کشورهایی که دختران به مدرسه نمی روند و یک وعده غذا به دختران در مدرسه پیشنهاد می کنیم، می بینیم که میزان ثبت نام دختران و پسران برابر یکدیگر حدود پنجاه درصد است. ما تحول در حضور دختران را می بینیم. و هیچ چون و چرایی وجود ندارد. زیرا این به انگیزه برای مدرسه آمدن است. خانواده ها به کمک نیاز دارند. ما متوجه شدیم که اگر دختران را بیشتر نگه داریم، آنان تا شانزده سالگی در مدرسه می مانند، اگر غذا در مدرسه باشد دختران ازدواج نمی کنند. یا اگر آنها یک وعده غذایی بیشتر در پایان هفته دریافت کنند هزینه آن حدود ۵۰ سنت است این دختران را در مدرسه نگه می دارد. و آنها فرزند سالمتری به دنیا می آورند، زیرا سوء تغذیه از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود

۱۰:۵۱ می دانیم که مانند اقتصاد، گرسنگی رونق و رکود دارد. ما این حقیقت را می دانیم. در حال حاضر در منطقه شاخ آفریقا، ما این رویداد رو طی کردیم. آیا این به تلاش بی فایده است؟ قطعاً نه. می خواهم در مورد آنچه من انبارهای امید مینامم، صحبت کنم. کامرون، شمال کامرون، رونق و رکود گرسنگی هر سال برای دهه ها وجود داشته. هر سال در طول فصل بی حاصلی هنگام گرسنگی به آنجا غذا می فرستادیم. خوب دو سال پیش، ما تصمیم گرفتیم مدل مبارزه با گرسنگی را تغییر دهیم، و به جای کمک رایانه غذا، مواد غذایی را در بانکهای غذا بگذاریم. ما به روستاییان گفتیم در دوره فصل بی محصولی، غذا را پخش کنید. شما مدیریت می کنید، روستاها مدیریت این انبارها را به عهده دارند. و در دوره برداشت محصول، غذا را با بهره اش برگردانید، بهره غذایی: پنج درصد، ده درصد غذای بیشتر اضافه کنید. برای دو سال گذشته، ۵۰۰ تا از این روستاها که بانکهای غذا داشته اند نیازی به کمکهای غذایی ندارند-- آنها خود کفا شده اند. بانکهای غذایی رو به رشد هستند. و شروع به اجرای برنامه تغذیه در مدرسه برای کودکان بوسیله مردم همان روستا کرده اند. اما آنها قبلاً قادر نبودند حتی سازمانهای ابتدایی یا منابع را بسازند. من عاشق این ایده که مال اهل روستا هستم: سه کلید برای باز کردن انبار هست. در آنجا غذا طلاست. و ایده های ساده می توانند چهره گرسنگی را نه تنها در مناطق کوچک بلکه در مناطق بزرگ در جهان تغییر دهند.

۱۲:۱۶ من می خواهم در مورد آنچه من آن را غذای دیجیتالی می نامم صحبت کنم. فن آوری در حال دگرگونی و تغییر چهره آسیب پذیری از غذا است در مکانهایی که شما قطعی های کلاسیک را می بینید. آمارتیا سن جایزه صلح نوبل را برای این گفته برد: " حدس بزن چی، قطعی در حضور غذا هم رخ میدهد زیرا مردم قادر به خرید آن نیستند." ما دقیقاً این را در سال ۲۰۰۸ دیدیم. اکنون ما این را در شاخ آفریقا می بینیم جایی که قیمت غذا ۲۴۰ درصد افزایش یافته در بعضی مناطق در سال گذشته. غذا می تواند آنجا باشد و مردم نتوانند آن را بخرند.

۱۲:۴۷ خوب در این تصویر -- من در هیبرون در یک فروشگاه کوچک بودم، به جای بردن غذا به آنجا، ما کارت غذای دیجیتالی فراهم کردیم، یک کارت. به عربی روی آن نوشته "نوش جان." و این زنان می توانند بروند و کارت شان را بکشند و ۹ قلم ماده غذایی را دریافت کنند. ۹ قلم خریدشان باید مغذی باشند، و آنها باید محصولات تولید شده محلی باشند. چیزی که فقط در طی یکسال حاصل شد، سال گذشته در صنعت لبنیات جایی که این کارتها برای شیر، ماست تخم مرغ و نخود استفاد شد صنعت لبنیات ۳۰ درصد افزایش یافت. و چوپانان افراد بیشتری را استخدام کردند. با این راه حل همه برنده میشوند که اقتصاد مواد غذایی را به حرکت درآورده. ما مواد غذایی را به بیش از ۳۰ کشور دنیا ارسال می کنیم از جمله بوسنیای، -- حتی حضور پناهندگان در این کشورها تغییر پذیر بوده -- و غیره.

۱۳:۴۰ شاید برای من هیجان انگیز ترین از هر چیز ایده است که بیل گیت، هاوارد بافت و دیگران شجاعانه پشتیبانی می کنند، که این سوال را مطرح می کند: چی می شد اگر ما به جای نگاه کردن به گرسنگان به عنوان قربانیان که بیشتر آنان کشاورزان خرده پا هستند که نمی توانند غذای کافی تولید و با بفروشند حتی برای حمایت از خانواده هایشان چی می شد اگر ما به آنها به عنوان راه حل نگاه می کردیم، به عنوان زنجیره ارزش برای مبارزه با گرسنگی؟ چه می شد اگر به زنان در آفریقا کسانی که نمی توانند مواد غذایی را بفروشند چون در آنجا راهی نیست، انباری نیست، حتی در آنجا یک پارچه محکم که مواد غذایی را با آن بلند کنند نیست چه می شد اگر ما محیط لازمه برای تولید مواد غذایی را به آنها می دادیم تا برای کودکان گرسنه در مناطق دیگر تغذیه فراهم کنند؟ برنامه "خرید برای پیشرفت" امروز در ۲۱ کشور است و حدس بزنید چی؟ تقریباً در هر مورد، وقتی به یک کشاورز فقیر تضمین خرید می دهید اگر شما بگویید، "ما ۳۰۰ تن از محصول شما را می خریم. ما محصولتان را جمع آوری کرده و مطمئن میشویم که بطور مناسب انبار میشوند." محصولشان دو، سه، چهار برابر می شود و آنها به راه حلی پیدا میکنند، زیرا این اولین فرصت تضمین است که در تمامی زندگی شان داشته اند. ما مردمی را می بینیم که زندگیشان را اینگونه میسازند. امروز، کمکهای غذایی ما موتور اقتصادی عظیم است ۸۰ درصد از کمکهای غذایی ما در کشورهای در حال توسعه خریداری میشود. دگرگونی غذایی رخ داده که می تواند زندگی افراد زیادی را که به غذا نیاز دارند تغییر دهد.

۱۵:۰۴ حالا ممکنه شما سوال کنید، آیا این می تواند در مقیاس بزرگ انجام شود؟ ایده های بزرگی هستند، ایده های سطوح روستایی. می خواهم در مورد برزیل صحبت کنم، به دلیل اینکه من در چند سال گذشته سفری به برزیل داشته ام، هنگامی که من خواندم که برزیل در حال مغلوب کردن گرسنگی سریعتر از هر ملتی بر روی زمین است. چیزی که من فهمیدم این است که به جای سرمایه گذاری پولشان در سوبسید مواد غذایی و چیزهای دیگر، آنها در برنامه تغذیه در مدرسه سرمایه گذاری کردند. و آنها ملزم شدند که یک سوم مواد غذایی را از کشاورزان کوچک که هیچ فرصت ندارد تامین کنند. آنها این کار را در مقیاس خیلی بزرگ انجام می دهند بعد از اینکه رئیس جمهور لولا هدفش که اطمینان از اینکه هر فرد سه وعده غذا داشته باشد را اعلام کرد. و این برنامه به صفر رساندن گرسنگی هزینه ای معادل ۰,۵ درصد تولید ناخالص ملی را در بر داشت و میلیونها نفر از مردم را از گرسنگی و فقر بیرون کشیده است. این دگرگونی چهره گرسنگی در برزیل است. و این در مقیاس بزرگ است، و این فرصتهای شغلی را ایجاد می کند. من به آنجا رفتم، و کشاورزان خرده پا را ملاقات کردم کسانی که وسیله معاش شان را با فرصتهای شغلی و جایگاه های فراهم شده توسط این (برنامه) ساخته اند.

۱۶:۱۰ اکنون اگر ما به ضرورت اینگونه اقتصاد نگاه کنیم، این فقط مورد رحم و شفقت نیست. حقیقت اینه که تحقیقات علمی نشان می دهند هزینه سوء تغذیه و گرسنگی هزینه ای که برای جامعه در بر دارد، فشاری که جامعه باید تحمل کند به طور متوسط ۶٪ در صد از تولید ناخالص ملی (GDP) است، و در برخی از کشورها ۱۱٪ درصد از تولید ناخالص ملی است. اگر شما به این ۳۶ کشور نگاه کنید با بالاترین فشار سوء تغذیه، ۲۶۰ میلیارد از یک اقتصاد مولد را سالیانه از دست می دهند. خوب، بانک جهانی برآورد کرده با فقط حدود ۱۰ میلیارد دلار ۱۰,۳ سوء تغذیه در این کشورها عنوان می شود. شما به تجزیه و تحلیل هزینه - منفعت نگاه کنید، رویای من این است که این موضوع را نه تنها با استدلال رحم و شفقت، بلکه به وزرای دارایی و اقتصاد جهان ببریم، و بگوییم ما استطاعت آن را نداریم که برای دسترسی کافی، تغذیه مناسب برای همه بشریت سرمایه گذاری نکنیم.

۱۷:۰۹ شگفت انگیز ترین چیزی که من بافتم این است که هیچ چیز نمی تواند در مقیاس بزرگ تغییر کند بدون عزم یک رهبر. هنگامی که رهبر می گوید، "در زمان و حوزه قدرت من گرسنگی نه" همه چیز شروع به تغییر می کند. و جهان می تواند با فراهم کردن محیط اقتصادی لازمه و فرصتهای مناسب این کار را انجام دهد. و اینکه فرانسه مواد غذایی را مرکز مذاکرات G20 قرار داده واقعا پر اهمیت است. زیرا غذا مشکلی است که نمی تواند فرد به فرد، کشور به کشور حل شود. ما باید کنار یکدیگر بایستیم. ما

شاهد کشورهای آفریقا هستیم. برنامه جهانی غذا قادر بوده ۳۰ کشور را ترک کند، زیرا آنها چهره گرسنگی را در کشور هایشان دگرگون کرده اند.

۱۷:۴۹ چیزی را که می خواهم در اینجا پیشنهاد کنم یک چالش است. من بر این باورم ما در زمانی در تاریخ بشر زندگی می کنیم که برآستی غیر قابل پذیرش است که کودکان از خواب بیدار شوند و ندانند که یک کاسه غذا را کجا پیدا کنند. نه تنها این، دگرگونی گرسنگی یک فرصت است، اما گمان کنم که باید طرز تفکرمان را عوض کنیم. من بسیار مفتخرم که اینجا با برخی از نوآوران و متفکران برتر جهان باشم. و علاقمندم که شما به همه بشریت بپیوندید و تعهد دهید و بگوئید، "بیشتر از این نه. ما از این بیشتر گرسنگی را قبول نخواهیم کرد." ما می خواهیم به نوه هایمان بگوئیم که زمان وحشتناکی در تاریخ ما بود که بیشتر از یک سوم کودکان مغز و بدنی رشد نیافته داشتند، اما دیگر وجود ندارد.

۱۸:۳۹ سپاسگزارم.

۱۸:۴۱ (تشویق تماشاگران)

ترجمه شده در بنیاد TED

مترجم: سهیلا جعفری - بازبینی: نرگس

بازنشر: انجمن متفکران و محققان آزاد (ام و ما)

سخنرانی‌های دوبله شده TED را در وب سایت انجمن ببینید:

[www.prothinka.org](http://www.prothinka.org)